

مقاله/ نقش و جایگاه عاشورا در نگاه تمدن

۱۱ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۲۶

آنجا که ظلمی و ظالمی سر بر می آورد این عقیده عاشورایی است که انسان رسته از خویش را با ملکوت پیوند می دهد و شجاعتی شهادت طلبانه در او می دمَد تا بر هر گونه فسق و کفر و الحاد و ارتداد و ظلم و نفاق بخروشد.

با یک نگاه هر چند سطحی و به دور از ریزبینی های مورخانه به تاریخ تمدن بشری که برای هر فردی با ابتدایی ترین درک و فهم تاریخی نیز میسر است، می توان به روشنی دریافت که تمامی یا بهتر بگوییم دست کم غالب تمدن های بشری که توانسته اند جریان سازی نموده و تا مدت هایی کم و بیش بر افکار و جریان های انسانی و تعاملات بشری حکمرانی کنند دارای یک صبغه "فکری و معرفتی" هستند و این اندیشه ها بوده اند که توانسته اند برای اهل نظر و دقت در هر عصری محل مذاقه و مکاشفه باشند نه صرفاً اشخاص تمدن ساز.

اگر چه نمی توان در یک تقسیم بندی کلی همگی اندیشه های موجود در تمدن ها را منطقی و عقلانی و فلسفی و صحیح دانست ولی این نکته هم نباید مغفول بماند که به هر حال تمامی افکار به وجود آمده در هر عصری می توانسته است برای مردمان همان عهد جنبه نظری و فکری داشته باشد حتی اگر امروزه کمی سطحی و کم مایه به نظر آیند.

اکنون با توجه به چنین رویکردی می توان "اندیشه های عاشورایی" را نیز مولد نوعی جریان سازی تمدن گونه در سال های پس از سال شصت هجری قمری دانست که توانستند بسیاری از چارچوب ها و جزمیت های کهنه را در هم شکنند و طرحی نو در اندازند و این جریانی است که تا کنون هم ادامه یافته است. چرا که هرگز قدیمی بودن اندیشه ای به لحاظ زمانی و مکانی نمی تواند دلیل بر کهنه بودن آن باشد زیرا همواره اصولی ثابت و غیر قابل خلل در مناسبات انسانی حکمفرماست که ازلی و ابدی اند.

آری خصیصه های انسانی و اخلاقی ای چون مقابله با ظلم، یاورى مظلوم، دفاع از حق و حقیقت، اصلاح در روابط انسانی و حاکم ساختن تعاملات صحیح اخلاقی مبتنی بر تعالیم آسمانی انبیا و بسیاری دیگر از ویژگی هایی که نمونه اعلای آنها در یک روز و آن

هم با بسامدی بالا تجلی یافتند نمی توانند رنگ کهنگی پذیرند، چه، در بند زمان و مکان و فساد و اضمحلال قرار نمی گیرند. از منظر این قلم، کربلا و حادثه روز عاشورای سال شصت، همچون خون پاک جان بر کفان آسمان ضمیر و دریا دلی که محضر یار مشق عشق نمودند، همچون سیلان و فوران دارد و چونان چشمه جوشانی در هر عصری بر اجساد خواب رفته انسان ها جانی دوباره می بخشد و طراوتی به شاعرانگی شهادت می نشاند که در فهم هر کوه نظری نگنجد آلا به نور ولایت .

اگر تمدن های قدیم و جدید بشری را بنیانگذاران افکار نو و اندیشه های بدیع بدانیم که رهاورد آن افکار گزاره های یک نظام مدنی را می سازند، می توانیم اندیشه های عاشورایی را چونان دکترین وثیق و جامعی بدانیم که بی شک در جریانات و اتفاقات پس از خود تاثیری عمیق نهاد و در گذر تاریخ توانست همچون مشعلی فروزان بر جای ماندگان از قافله انسانیت، اخلاق، معنویت، عقلانیت و عدالت را روشننگری نماید .

آنجا که ظلمی و ظالمی سر بر می آورد این عقیده عاشورایی است که انسان رسته از خویش را با ملکوت پیوند می دهد و شجاعتی شهادت طلبانه در او می دمَد تا بر هر گونه فسق و کفر و الحاد و ارتداد و ظلم و نفاق بخروشد و سدی عظیم در مقابل حرکت ستمگران و مستکبران بکشد و این همچونان جاریست تا ظالمان هستند و مظلومان نوای طلب یاری سر میدهند. آنگاه که مسیر حق و حقیقت توسط انسانهای حیوان صفت و شهوت پرست به اعوجاج و گمراهی می خزد و قافله انسانیت راه را از چاه باز نمی شناسد و بذر شوم شک و دو دلی و بد گمانی در جانشان می نشیند هنگام عرضه " صراط مستقیم " می شود توسط آنکه خودش بر صراط است و صحیح تر آنکه خودش صراط است، تا آنکه نوری از دل ظلمت بجهد و فراروی مسافران کوی حقیقت شود تا حجت خداوند بر انسان ها مخدوش نگردد و این در تاریخ پر تکرار بشر همواره در اعصار گوناگون اتفاقی است که ترجیع بند شعر بلند تاریخ شده است و امروز هم همان راه است و همان اندیشه است و همان جوشش است که تمدنی عظیم را از فرو لغزیدن باز می دارد و در حوض نگرانی ها و تشویش ها اطمینان و آرامش می آفریند .

اندیشه های عاشورایی، در یک نگاه بلند تر به نوعی تمدن ساز و نیز تمدن سوزند و چه بسیار تمدن های سخیف و استحاله شده ای که با افکار عاشورایی انسان هایی وارسته فرو ریختند و اکنون نیز اثری از آنها نیست . اگر انقلاب اسلامی ایران را مدل معاصر از حرکت انقلابی و اصلاح طلبانه ابا عبدالله (علیه السلام) برشمیریم آنک مصداقی عملی در معنای دوم یعنی تمدن سوزی فکر و اندیشه عاشورایی به دست می آید که توانست پایه های تمدنی کهن و ریشه دار را در عصری که به زعم تمامی نظریه پردازان علم سیاست، انقلاب دینی محال می نمود، در هم شکنند و تمدنی دیگر بر آن ویرانه ها بنا کند با نگاهی بر آسمان .

به هر روی می توان با یک نگاه عمیق تر بسیاری از تمدن های شکل گرفته بشریت را به نوعی الهام گرفته از مفاهیم عاشورایی (تمدن های قبل از واقعه عاشورا) و شاید الگو گرفته از صورت واقعه (تمدن های پس از واقعه عاشورا) انگاشت چرا که سامان پذیری بنیاد های هر تمدن عظیم انسانی که حاوی مفاهیم قابل تامل هستند محتاج گزاره هایی است که به تقریب در غالب موارد با دیگر تمدن ها وجوه مشترک دارند . و از نگاهی دیگر شاید بتوان مفاهیم بنیادی بر گرفته از تفکر عاشورایی را مقوم و نگهدارنده تمدن ها دانست آن هنگام که تمدن ها با تکیه بر مفاهیم انسانی توانسته اند در برابر تند باد های بنیان بر انداز شیطان گونه ، ریشه در زمان بدوانند و شاخه در آسمان بپراکنند و این همان کلمه طیبه است که قرآن در توصیفش می فرماید : "و ضرب الله مثلا کلمه طیبه کشره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السما ..."

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۲۴۴/نقش-مقاله/تمدن-نگاه-عاشورا-جایگاه-نقش-مقاله>